



یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴ صفحه ۲۰ هزار تومان • سال چهارم • شماره ۸۳۱
www.hammihanonline.ir



تهدید رئیس جمهور

بررسی نامه ۲۴ نماینده تهران و مواضع اخیر علیه پزشکبان
در گفت و گو با رضا سپهوند و محمد سراج



آنکه نه گفتن بلد بود

بازخوانی اثر و آثار اسفندیار منفردزاده
در گفت و گو با حسین غصاران نویسنده کتابی درباره او



نخبه کشی فوتبالی

درباره انتخاب علیرضا فغانی
به عنوان داور فینال جام جهانی باشگاه ها و رفتن اواز ایران



سرباز، جوان افتاد

روایت شهادت امیر علی فضلی، ماهان ستاره و علی حبیبی فردر حمله به زندان اوین



هشدار به تروئیکا

اظهارات صریح عباس عراقچی

درباره احتمال اسنپ بک از سوی سه کشور اروپایی
روند جدید همکاری با آژانس و شرایط از سرگیری مذاکرات

گزارش
دیپلماسی
۲۰۳۰۶۰۷

ماشه یا کاغذ پاره؟

بررسی اهمیت مکانیسم اسنپ بک و امکان استفاده از آن
با یادداشت هایی از آرمین منتظری
و احمد ترابی کارشناس حقوق بین الملل

نگاه تحلیگر

فوریت تصمیم ضرورت تمرکز

درباره نقش و مسئولیت نیروهای
جامعه مدنی در لحظه کنونی



محمد ابراهیم انصاری لاری
پژوهشگر حوزه فرهنگ و سیاست

امروز و بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با کمال تأسف، در میانه یک توقف لرزان و آتش بسی شکننده، شاهد حضور و بروز و خردنمایی بیش از همیشه جماعتی هستیم که افکارشان بسیار ضعیف و اراده های شان بسیار قوی است و به طرز خطرناکی اعتماد به نفس دارند؛ البته، مغرورند. بیم آن می رود که افکار ضعیف و اراده های قوی آنان بر اتاق های ایدئپردازی و تصمیم گیری های نظام چنان سایه افکند که نه تنها در درازمدت اجازه کوچکترین تغییر در پارادایم حکمرانی، که خواست تعدادی از اقتصاددانان و استادان دانشگاه بود را ندهد؛ بلکه در کوتاه مدت و در وضعیت اضطراری فعلی نیز، فرصت تصمیم گیری مقارن با خواست عمومی و متناسب با همبستگی ملی ایرانیان را به کل ضایع سازد. امروز در شرایطی هستیم که اندیشمندان، سیاست ورزان، نویسندگان، هنرمندان، ادیبان، ورزشکاران و حتی کارآفرینان اگر بتوانند، ذره ای بر رفتار و منش دولتمردان و حاکمان تاثیر بگذارند و فرایند تصمیم گیری آنها را سرعت و بهبود بخشند، ارزشش بسیار بیشتر از مدها فعالیت در زمینه خاص و حرفه ای خودشان خواهد بود. 



رضا رئیسی

روزنامه نگار
و تحلیلگر سیاسی

برخلاف ادعای خالص سازان مدعی «هسته سخت قدرت»، عموم مردم در این جنگ ۱۲ روزه نشان دادند که با همه اختلافات و سلاقی مختلف در بزنگاه های حساس بیش و پیش از مدعیان همیشه طلبکار پای کشور و حتی نظام سیاسی هستند و باور دارند که موجودیت کشور و نظام با هم ارتباط ارگانیک و ناگسستنی یافته است. بسیاری از نیروهای سیاسی-فکری نیز، اصالت و حسن نیت خود را در سخت ترین آزمون ممکن به نمایش گذاشتند. حال دیگر جریان خالص ساز نمی تواند خود را مدافع یگانه نظام سیاسی بخواند و دیگر جریانات و طیف ها را در جایگاه دشمن نظام و ساختار سیاسی معرفی کند.



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست
روزنامه هم میهن

در این روزهای پس از آتش بس شبیه این سخنان قالبیاف را به انواع و اقسام گوناگون از سوی چهره های درون حاکمیت و مسئولان دیگر، از رئیس جمهور پزشکبان و محمدرضا عارف، معاون اول او تا سایرین نیز شنیده ایم و به نظر می آید که انتظار چنین رفتاری از سوی مردم را نداشته اند. در این بین باید امیدوار بود که این مسئولان علت این عدم انتظارشان از چنین رخداد و معجزه وار بودن آن را بررسی و کنکاش کنند تا به اشتباهاتشان و دلایل شکل گیری چنین تهدیدی در کشور که بی ارتباط با تصمیماتشان در قبال مردم جامعه در گذشته نبوده، واقف شوند.



سعید شریعتی

عضو شورای مرکزی
حزب اتحاد ملت

این حرف هایی که آقای قالبیاف می زند، در مقام سخنرانی کردن جذاب و جالب است؛ ولی ایشان رئیس قوه مقننه این کشور، به عنوان عالی ترین نهاد قانون گذاری کشور است. آقای قالبیاف، باید به ازای حرف هایش خودش را در ملت تواضع کردند و احساس شان این است که چه مردم شریفی هستند که به رغم آنکه از حکومت گلابه مند هستند و مطالبات آن ها نامین نشده است، در این بزنگاه سخت، از انجلی که پای ایران در میان بوده، از اختلاف های خود فعلا صرف نظر کردند و از یکپارچگی، تمامیت ارضی، استقلال و در کنار آن از حاکمیتی که دارد از تمامیت ارضی ما دفاع می کند، شروع به دفاع کردند.



محمد عطریانفر

معاون سیاسی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

ادبیات هسته سخت، روی دیگر ایده فروپاشی اجتماعی بود. زیرا وقتی فرض شما این باشد که این فروپاشی اجتماعی اتفاق می افتد، در نهایت از هسته سختی صحبت می کنی که در آن لحظه نهایی و سرنوشت ساز، قرار است که از انقلاب، کشور و نظام دفاع کند که سرشبهه هایی هم مدعی این کار شده بودند در حالی که به نظر من، این جمع بندی بدنه اجتماعی نبود. این اتفاقی که افتاد، به این معنا بود که هم ایده فروپاشی اجتماعی و هم ایده هسته سخت قدرت شکست خورده و ما وارد دوران جدیدی شدیم که اگر مختصات این دوران جدید را نشناسیم، از مردم عقب خواهیم ماند.



سعید آجرلو

مدیر مسئول روزنامه صبح نو
و فعال سیاسی اصولگرا

در میان سخنانی که در روزهای اخیر زده شده است بی تردید این جمله آقای قالبیاف که در آخرین گفت و گو تلویزیونی خود گفت را باید با طلا نوشت و بالای سر هم مدیری و مسئولی نصب کرد. این گزاره که: «هسته سخت نظام ۹۰ میلیون نفر مردم ایران هستند.» البته تقریباً اغلب گفته های آقای قالبیاف در این گفت و گو دقیق و حساب شده بود و باید تشکر کرد ولی جمله طلایی گفت و گو وی، همین گزاره بود. همه می دانند که سال هاست عده ای بسیار اندک و با رای ۳ درصدی خود مدعی شده اند که آنان هسته سخت نظام هستند و بقای نظام را این جماعت اندک ضمانت می کنند. همه هم می دانستند که این جماعت بسیار محدود اگر مورد حمایت های پیداپنهان نباشند خودشان را هم نمی توانند حفظ کنند چه رسد به اینکه بخواهند ستون فقرات نظام برآمده از انقلاب باشند. در واقع آنان از طریق این شعار ارتزاق کرده و نان می خورند. متأسفانه سال ها بود که کسی در برابر این ادعای ناصواب و خطرناک موضعی نگرفته بود و چه بسا به طور ضمنی تأیید هم می کردند و یا اگر هم قبول نداشتند جرأت اظهار آن را نداشتند. شاید آقای قالبیاف به دو دلیل به این نقطه رسیدند که این گزاره را اصلاح و به طور رسمی اعلام کنند و حداقل در اختیار مردم را به جایگاه اصلی خود بازگردانند. دلیل اول؛ این هسته به اصطلاح سخت قدرت در انتخابات ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ کیسه سختی را به آقای قالبیاف کشیدند و ایشان تجربه عینی و ملموسی از آن دارد. دلیل دوم نیز به وضعیت جنگ کنونی بر می گردد و برای همه روشن شد که آن هسته سخت جعلی و کوچک، اصلاً آنچه که مدعی است نیست، و باید در برابرش تمام قیامت کرد. 

سرمقاله

یک گزاره طلایی

ارزیابی تحلیلگران و فعالان سیاسی از اظهارات قالبیاف درباره هسته سخت نود میلیونی
عبور از خالص سازان